

علم زبان؛ سال ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

تحلیلی بر فرآیند رمزگردانی در گویشوران دوزبانه از منظر

متغیرهای بافت وقوع گفتار، سن و جنسیت

۱- زری سعیدی^{۱*} - مهسا آریان پویا^۲

۱- استادیار زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲ کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۳۰)

چکیده

در این پژوهش، تأثیر متغیرهای بافت وقوع گفتار، سن و جنسیت بر میزان رمزگردانی گویشوران دوزبانه ترکی-فارسی مطالعه و بررسی شده است. به این منظور، چهل (۴۰) آزمودنی در دو گروه سنی ۲۰-۴۰ و ۴۰-۷۰ سال و دو گروه جنسیتی زنان و مردان، طی روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش ضبط گفتار طبیعی آزمودنی‌ها، در دو بافت خانواده و محل کار گردآوری و بر اساس متغیرهای بافت وقوع گفتار، سن و جنسیت دسته‌بندی شدند. تحلیل داده‌های حاصل، با به کارگیری روش تلفیقی کیفی-کمی صورت گرفت. تحلیل روش کیفی به صورت مقایسه و توصیف مجموع رمزگردانی آزمودنی‌های مربوط به هر متغیر و شیوه کمی با استفاده از نرم‌افزار spss و روش‌های آماری آزمون مقایسه میانگین‌های دو گروهی (Paired T-test) و آزمون تحلیل رگرسیون (Regression testing) انجام گرفت. نتایج بررسی‌ها در این پژوهش، تفاوت میزان وقوع رمزگردانی افراد در بافت خانواده و بافت محل کار و نیز تأثیر عوامل سن و جنسیت را بر این میزان به نمایش گذاشت.

کلیدواژه‌ها: رمزگردانی، دوزبانه، بافت وقوع گفتار، سن، جنسیت.

* E-mail: saeedi.za@gmail.com

(نویسنده مسئول) E-mail: mhsarian@gmail.com

۱. مقدمه

ارتباط بین زبان‌های بشری، به علت ماهیت اجتماعی آن، از آغاز پیدایش زبان به دلیل تعاملات بین افراد در مناطق مختلف جهان به لحاظ تجاری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره وجود داشته است. از آنجا که زبان فرآیندی پویا و تأثیرپذیر است، تقریباً همه زبان‌ها در گذر زمان و در اثر ارتباط با زبان‌های دیگر، دستخوش تغییراتی شده‌اند. گاهی نیز ممکن است دو زبان به همزیستی کنار هم ادامه دهند و عناصری از یکدیگر را به امانت بگیرند. علاوه بر وامگیری، در اثر این همزیستی، پدیده‌های گوناگون دیگری در سطح فردی و اجتماعی در جامعه زبانی ایجاد می‌شوند. دوزبانگی از جمله این پدیده‌های رایج است که توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. دوزبانگی به دانش و کاربرد دو زبان از سوی یک گویشور یا جمعی از گویشوران اطلاق می‌شود (Bhatia & Ritchi, 2013: 23).

رمزگردانی (Code-switching) و رمز آمیزی (Code-mixing) دو پدیده رایج میان دوزبانان هستند که حاصل تعامل دو زبان در ذهن گویشور دوزبانه (Bilingual) می‌باشند و سبب کاربرد دو زبان در یک واحد گفتار یا نوشتار می‌شود؛ به بیان دیگر، رمزگردانی پدیده‌ای حاصل از دوزبانگی می‌باشد. وینریش اولین تعریف از رمزگردانی را این گونه بیان می‌کند که افراد دوزبانه به صورت فردی بر اساس تغییرات مناسب در شرایط گفتار، از زبانی به زبان دیگر رمزگردانی می‌کنند (Weinreich, 1953) و بنا به تعریف گامپرز، رمزگردانی، کاربرد دو یا چند زبان در گفتاری واحد می‌باشد (Gumperz, 1982).

کشور ما به دلیل وسعت زیادی که دارد، زبان‌های گوناگونی را در خود جای داده است. گویشوران این زبان‌ها به دلایل مختلف تجاری، جغرافیایی، مذهبی و غیره به تناوب با یکدیگر در ارتباط هستند و به تبع این امر، زبان‌های آنان نیز از هم تأثیر می‌پذیرند. در این میان، به دلیل اینکه زبان فارسی، زبان رسمی کشور است، گویشوران زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایران به طور حتم با آن مواجه می‌شوند و در بیشتر موارد آن را با توجه به محل و شرایط زندگی و نیز از طریق آموزش و پرورش و رسانه ملی از کودکی در کنار زبان مادری خود فرامی‌گیرند. به

همین دلیل است که دوزبانه‌ها و چندزبانه‌های بسیاری در کشور ما زندگی می‌کنند، در حالی که به صورت رسمی و سیاسی کشور ایران یک کشور تک‌زبانه محسوب می‌شود.

از جمله زبان‌هایی که در کشور ما گویشوران بسیار دارد، زبان ترکی آذری است و دلیل آن، جمعیت بالایی از این افراد است که به مناطق مختلف ایران، به ویژه شهر تهران مهاجرت کرده‌اند، این افراد دارای زبان مادری ترکی هستند و هنگامی که در جامعه فارسی‌زبان شروع به زندگی می‌کنند، لازم است برای تطبیق خود با شرایط زندگی شهر غیر ترک‌زبان، زبان رسمی کشور را فراگیرند. بدین ترتیب، بعد از مدتی زندگی در شهر مورد نظر، این افراد دو زبان ترکی و فارسی را همزمان در گفتار خود به کار می‌برند. همچنین، این امکان نیز وجود دارد که فرد در شهر فارسی‌زبان به دنیا آمده‌است و به دلیل داشتن والدین دوزبانه ترکی-فارسی، این دو زبان را همزمان در دوره حساس زبان‌آموزی (Critical period) فراگرفته باشد. از جمله پیامدهای این دوزبانگی، رمزگردانی است که با توجه به شرایط و موضوع گفتار، مخاطب و فرایندهای ذهنی فرد رخ می‌دهد.

محققان در بررسی‌های صورت گرفته بر گفتار دوزبانه‌ها به این نتیجه دست یافته‌اند که کاربرد هر یک از دو زبان از سوی دوزبانه‌ها، در بافت‌ها یا حوزه‌های مختلف وقوع گفتار می‌تواند متغیر باشد و از آنجا که این مسئله با در نظر گرفتن شرایط وقوع گفتار، مخاطب و میزان صمیمیت از سوی گویشور در ارتباط است، آن را عاملی اجتماعی در نظر می‌گیریم. این بافت می‌تواند شامل بافت خانواده، بافت گفتگو با دوستان نزدیک، بافت اداری، بافت آموزشی (مدرسه) یا بافت تجاری (بازار) و غیره باشد. داده‌های پیکره‌بنیاد (Corpus-based) به دست آمده در پژوهش حاضر، از بافت خانواده (غیررسمی) است و در کنار آن بافت بیرون از منزل، شامل بافت محل کار (رسمی و غیررسمی) مورد بررسی قرار گرفته‌است.

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی پدیده رمزگردانی در میان گویشوران دوزبانه ترکی - فارسی ساکن تهران است و عواملی که در راستای این هدف بررسی می‌شوند، شامل بررسی ارتباط بافت وقوع گفتار (Speech context) با میزان رمزگردانی گویشوران دوزبانه ترکی -

فارسی و بررسی تأثیر عوامل سن و جنسیت بر میزان رمزگردانی گویشوران دوزبانه ترکی-فارسی می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- میزان رمزگردانی افراد دوزبانه ترکی-فارسی در محیط خانواده بیشتر از محیط کار می‌باشد.
- ۲- با کاهش سن افراد دوزبانه ترکی-فارسی میزان رمزگردانی آن‌ها نیز کاهش می‌یابد.
- ۳- رمزگردانی در مردان دوزبانه ترکی-فارسی نسبت به زنان دوزبانه ترکی-فارسی بیشتر است.

۲. پیشینه پژوهش

اصطلاح دوزبانگی ممکن است برای افراد مختلف معانی متفاوت داشته باشد؛ چراکه تعریف مطلق برای آن وجود ندارد. برای یک گویشور عادی، دوزبانگی با عنوان کاربرد دو زبان و یا تسلط نزدیک به زبان مادری نسبت به دو زبان تعریف می‌شود. در اولین تعریف، کاربرد صرف زبان به عنوان معیار اصلی در نظر گرفته می‌شود و یا حتی گویشورانی را شامل می‌شود که تنها می‌توانند اصطلاحات ابتدایی و ساده زبان دوم، مانند سلام و احوالپرسی به کار برند. در مقابل، تعریف دوم بر این مبناست که فرد دوزبانه ملزم به داشتن تسلط کامل نسبت به هر دو زبان می‌باشد. آشکار است که هر یک از این دو تعریف، جایگاهی متفاوت را در دو سوی پیوستار تسلط اتخاذ می‌کنند، گرچه به واقع، اکثر دوزبانانها احتمالاً در نقطه‌ای میان این پیوستار قرار می‌گیرند. به علاوه، آنچه در متون پیرامون دوزبانگی موجود است، دیدگاه متخصصان می‌باشد که ممکن است بازتاب دیدگاه خود گویشور نباشد (B. Chin & Wigglesworth, 2007: 3). پیرو مطالعات انجام شده در زمینه دوزبانگی، رمزگردانی مورد توجه خاص پژوهشگران بوده است. اولین اشاره صریح به رمزگردانی در این عبارت از ووگت بوده است که می‌گوید: «رمزگردانی به خودی خود شاید یک پدیده زبانشناختی نباشد، بلکه پدیده‌ای روانشناختی است و نتایج آن آشکارا فرازبانی می‌باشد» (Vogt, 1954: 368).

پژوهشگران طی بررسی‌های خود به انواعی از رمزگردانی دست یافتند. یکی از این انواع، رمزگردانی بین جمله‌ای (Intersentential code-switching) می‌باشد که در خارج از مرز یک

جمله یا بند رخ می‌دهد. در مقابل، رمزگردانی بین جمله‌ای، رمزگردانی درون جمله‌ای (N- trasentential code-switching) قرار دارد که در محدوده درون جمله یا بند روی می‌دهد (Wei, 2000: 281).

رمزگردانی که در جوامع چندزبانه و چندفرهنگی به شکل گسترده‌ای کاربرد دارد، به واسطه تعدادی عوامل اجتماعی و زبانی تعیین می‌شود. فرد دوزبانه به دلایل متعددی در طول مکالمه خود تغییر رمز می‌دهد. رمزگردانی برای دستیابی به عواملی که براساس آن‌ها افراد مسلط به دو زبان، واژه‌ها یا عبارات را در شرایط خاصی رمزگردانی می‌کنند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Bista, 2010: 1-19). عوامل فردی و اجتماعی تأثیرگذار بر رفتارهای زبانی و نیز رمزگردانی شامل سن، جنسیت، رتبه اجتماعی، سطح تحصیلات، شغل، بافت و سایر عوامل می‌باشد. در این میان، سه متغیر «سن»، «جنسیت» و «بافت» مورد توجه پژوهش حاضر قرار دارند.

آلفونزتی (Alfonzetti, 2014) به نقل از (Gal, 1979) چنین بیان می‌کند که متغیر وابسته به سن، به دو دلیل عمده، موضوعی مهم در پژوهش‌های کنونی پیرامون رمزگردانی محسوب می‌شود: اول از دیدگاه نظری که این موضوع به تعیین نقش نسبی عوامل جامعه‌شناختی زبان در مقابل عوامل نحوی که زیربنای الگوهای رمزگردانی می‌باشند، کمک می‌کند. دوم از دیدگاه جامعه‌شناختی زبان، این مسئله کلیدی برای درک تغییر مداوم زبان می‌باشد. در جوامع مهاجر، متغیر وابسته به سن در رمزگردانی، وابستگی جامعه‌شناختی زبانی بیشتری دارد. به این دلیل که تفاوت‌های چشمگیر بین نسلی در الگوهای نحوی و کاربردی رمزگردانی مشاهده می‌شود. سن با میزان مهارت دوزبانگی و نگرش نسبت به رمزگردانی در ارتباط است. گویشوران نسل اول معمولاً به زبان مادری خود مسلط‌تر هستند؛ به عبارت دیگر، زبان مادری در آن‌ها غالب است و آن‌ها رمزگردانی را به عنوان راهبردی جبرانی یا گزیری به کار می‌برند. رمزگردانی آن‌ها عمدتاً درون جمله‌ای یا محدود به نشانگرهای گفتمان (Discourse markers) یا واژه‌های تک می‌باشد (Francenchini, 1998؛ به نقل از؛ Alfonzetti, 2014).

رمزگردانی از فرایندهای اجتماعی زبان محسوب می‌شود و ارتباط بین زبان و جنسیت هم در حوزه اجتماع که متشکل از مردان و زنان با الگوهای متفاوت زبانی است، مفهوم می‌یابد. پژوهشگران حوزه زبانشناسی اجتماعی با در نظر گرفتن این مسائل، سعی در بررسی وجود ارتباط بین رمزگردانی و جنسیت داشته‌اند و تحقیقاتی را در این زمینه به انجام رسانده‌اند تا به این نتیجه دست یابند که آیا مردان و زنان در الگوهای رمزگردانی نیز مانند سایر الگوهای زبانی با هم تفاوت دارند یا خیر. البته معمولاً جنسیت همواره در کنار عوامل تأثیرگذار دیگر نظیر سن، رتبه اجتماعی، شغل و سایر عوامل مورد بررسی قرار گرفته‌است.

جاگرو و ادونگو با بررسی داده‌های به دست آمده از گفتار گویشوران مرد و زن، نتایجی را در این زمینه ارائه می‌دهند. گویشوران مرد و زن در طول گفتگوها در کنار یکدیگر بودند، اما در این میان، مکالمه‌هایی نیز صورت می‌گرفت که تنها گویشوران مرد در آنجا حضور داشتند. همچنین، مکالمه‌هایی بودند که تنها گویشوران زن در آنجا حضور داشتند (Jagero & Odongo, 2011: E. 40). این پژوهش در کشور کنیا و در بافت آفریقایی صورت گرفته است و زبان‌های مورد بررسی از نظر رمزگردانی انگلیسی، کیسواحیلی (Kiswahili)، شنگ (Sheng) (زبان عامیانه) و زبان‌های محلی بوده است. آن‌ها، با مقایسه داده‌های حاصل از پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که گویشوران مرد کنیایی در گروه‌های مختلط، نسبت به زنان رمزگردانی بیشتری داشته‌اند. از سه گروه مختلط، مردان در دو گروه رمزگردانی بیشتری داشته‌اند. اما در گروه‌های تک‌جنسیتی گروه زنان نسبت به مردان رمزگردانی بیشتری داشته‌اند.

در پژوهش‌های انجام شده در زمینه رمزگردانی، بافت و موقعیت وقوع گفتار همواره باید مورد توجه پژوهشگر قرار گیرد؛ چنان‌که بسیاری از پژوهش‌هایی که در کشور ما و سایر کشورها در حوزه رمزگردانی صورت گرفته، در بافت مدرسه بوده‌است و گویشوران مورد آزمون، دانش‌آموزان بوده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز در بافت‌های دیگر، از جمله بافت خانواده یا بافت محل کار (اداری) صورت گرفته‌است. در زمینه بافت و زبان، اصطلاح دوزبان‌گونگی (Diglossia) مطرح می‌شود و گامپرز توصیف خود از مقایسه رمزگردانی و دوزبان‌گونگی را به این صورت ارائه می‌دهد:

«در دوزبان گونگی، تغییر رمز تا حد زیادی از نوع موقعیتی می‌باشد (Blom & Gumperz, 1972) و گونه‌های مشخص در موقعیت‌های خاص (مانند منزل، مدرسه و محل کار) به کار گرفته می‌شوند. گویشوران در موقعیت‌های دوزبان گونگی بیشتر از یک نظام دستوری را می‌دانند، اما در هر موقعیت، تنها یک رمز را به کار می‌برند و این است تفاوت دوزبان گونگی با رمزگردانی؛ چراکه جوهره رمزگردانی، حضور عناصری از دو یا چند نظام زبان متفاوت در یک گفتار واحد است» (Gumperz, 1982: 60).

پدیده رمزگردانی در پژوهش‌های صورت گرفته از دو نر مورد بررسی قرار گرفته است: دستوری- نحوی و کاربردی- گفتمانی. در بررسی‌های کاربردی، توجه به سبک سخن بوده است و در بررسی‌های نحوی، چارچوب تحقیقات، قوانین نحوی را شامل می‌شد (Romaine, 1989). سن کاف و پاپ لاک (Sankoff & Poplack, 1981) طی تحقیقات خود دریافتند که رمزگردانی، تابع دو قاعده نحوی است: قاعده تکواژ آزاد (Free morpheme) و قاعده برابری (Equivalence). قاعده مهم دیگری که در چارچوب دستور بر رمزگردانی حاکم است، و دی سیولو و سینگ در تحقیق خود بدان دست یافتند (Di Sciullo & Singh, 1986)، بیان می‌کند که رمزگردانی تابع اصل حاکمیت (Government) می‌باشد که از اصول دستور جهان‌شمول است. بر پایه این اصل، رمزگردانی میان عناصری در سخن رخ می‌دهد که اصل حاکمیت میان آن‌ها برقرار نباشد؛ به بیان دیگر، رمزگردانی در مکان‌هایی می‌تواند رخ دهد که عناصر مشمول این پدیده، تابع روابط همبستگی (Coherence) و وابستگی (Dependency) نحوی آن جمله نباشد (ر.ک؛ حسینی، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۹).

تمایل به رویکردی نقش‌گرا (Functional) و تعاملی نسبت به رمزگردانی به وسیله گامپرز (۱۹۷۱م: ۷۱) در پژوهش‌های وی پیرامون گویش‌شناسی اجتماعی در هندوستان آغاز شد و در کتاب *زبان در گروه‌های اجتماعی* (۱۹۷۱م) جمع‌آوری گردید. با اینکه گامپرز ادعا می‌کند مفهوم رمزگردانی را به عنوان یک پدیده گفتمانی از یاکوبسن اتخاذ کرده است، احتمالاً اساس روانشناختی دیدگاه او نسبت به این پدیده از گذشته در آثار او با پایک (Pike) در میشیگان حضور داشته است. برای مثال، بررسی گامپرز روی تغییرات واجگونه و تکواژگونه

در زبان هندی-اردو به این دیدگاه روانشناختی اشاره دارد. گامپرز و نعیم (۱۹۶۰م.) بر این باور بودند که همگرایی گویشی می‌تواند منجر به این شود که افراد، محتوای واجگونه‌ای را بدون دارا بودن محتوای واجی مشترک به اشتراک بگذارند.

طبق یافته‌های پژوهشگران (Gumperz, 1976; Paf, 1975 & Wentz, 1977)، رخداد رمزگردانی نه تنها با عوامل فرازبانی، بلکه با عوامل زبانی نیز نظارت می‌شود. برای دوزبانان هم‌تراز (Balanced bilingual)، رمزگردانی مشمول قاعده برابری می‌شود؛ به بیان دیگر، رمزگردانی در محل‌هایی از گفتمان رخ می‌دهد که جایگزینی عناصر زبان اول با زبان دوم هیچ یک از قواعد نحوی هر دو زبان را نقض نکند. قاعده برابری می‌تواند در سنجش میزان توانایی دوزبانگی به کار گرفته شود. فرض بر این است که برابری ممکن است با دوزبانان غیرمسلط نقض شود و یا ممکن است محل‌های رمزگردانی که از لحاظ خوش ساختی نحوی بسیار خطیر هستند (برای مثال رمزگردانی درون جمله‌ای)، همگی فراموش شوند. برای بررسی این موضوع، پاپلاک (۱۹۸۰م.) در مقاله خود، گفتار ۲۰ فرد پورتوریکویی از اجتماع دوزبانان پایدار را که درجات مختلفی از توانایی دوزبانگی داشتند، مورد مطالعه قرار داده است. فعالیت وی بخشی از پژوهش میان‌رشته‌ای با هدف بررسی جایگاه دو زبان انگلیسی و اسپانیایی در جامعه پورتوریکویی ساکن شرق هارلم (Harlem, N.Y.) نیویورک می‌باشد. نکته‌ای مهم که پاپلاک در این مقاله ذکر می‌کند، کاهش شدید کاربرد زبان اسپانیایی، به ویژه در بین نسل جوان‌تر می‌باشد، با وجود اینکه این زبان، زبان مادری آن‌ها محسوب می‌شود (Poplack, 1980: 221-256).

در کنار مطالعات نحوی، زبان‌شناسان اجتماعی نیز دست به تحقیقات گسترده پیرامون رمزگردانی و یافتن ارتباط آن با عوامل و پدیده‌های اجتماعی زدند و این موضوع را از جهات مختلف مورد بحث و بررسی قرار دادند. این جنبه از مطالعات به منظور پی بردن به نقش‌های کاربردی و گفتمانی رمزگردانی انجام شده است. گامپرز (۱۹۸۲م.) معتقد است که رمزگردانی همان نقش‌های گفتمانی را ایفا می‌کند که گویشوران تک‌زبان با گردش از گویشی به گویش دیگر در همان زبان آن نقش‌ها را نشان می‌دهند. نمونه بارز نقش کاربردی رمزگردانی در سخن مستقیم و نقل قول پدیدار می‌شود. به باور گامپرز، سخن شخص ثالث در مکالمه میان دو

نفر، غالباً به یک زبان دیگر بازگو می‌شود (Gumperz, 1982). گامپرز شاهد دختری از اهالی گینه نو بود که داستانی را از روی تصاویر کارتونی که به تازگی از ویدیو دیده بود، به زبان بومی خود، توک‌پسین (Tok-Pisin) تعریف می‌کرد، اما سخن یکی از بازیگران را به زبان انگلیسی بیان می‌کرد. در واقع، گفتگویی در نمایش کارتونی وجود نداشت. از این رو، بیان آن بازیگر را نقل نمی‌کرد، بلکه می‌خواست به این طریق نشان دهد که سخن او به شخص ثالثی تعلق دارد و زبان انگلیسی را متناسب با موقعیت اجتماعی آن بازیگر انتخاب کرد؛ زیرا کارتون متعلق به جامعه گینه نو نبود و بازیگر سفیدپوست بود. لذا نباید زبان محلی توک‌پسین را می‌دانست. گامپرز معتقد است که نقل قول مستقیم همواره به زبان بیان‌کننده آن زبان نقل نمی‌شود؛ به بیان دیگر، خود پدیده رمزگردانی حائز اهمیت است، نه صورت زبان نقل قول مستقیم (ر.ک؛ حسینی، ۱۳۷۸: ۷۸-۸۳).

مطالعه‌ای قوم‌نگاری از رفتار زبانی جمعیتی یکی از روستاهای نروژ که نسبتاً یکپارچه و مجزا و بدین ترتیب، پایدار به نظر می‌رسیدند، از سوی بلوم و گامپرز انجام شد (Gumperz, 1971). این بررسی نشان داد که تفاوت‌هایی اساسی در ارزش‌های اجتماعی بین تک‌تک ساکنان این منطقه که در محلی مشابه به دنیا آمده‌اند و رشد یافته‌اند، وجود دارد. تمام ساکنان به دو گویش محلی و گونه‌ای منطقه‌ای از بوکمال (Bokmål)، یکی از دو گونه معیار زبان نروژی، صحبت می‌کردند. با این حال، تمام گویشوران با در نظر گرفتن اینکه در کدام موقعیت و به منظور کدام اهداف ارتباطی صحبت می‌کردند، در انتخاب هر یک از این دو گونه (رمز) با هم تفاوت داشتند. برای مثال، هنگامی که این افراد وارد پُستخانه می‌شدند، ابتدا با گویش محلی احوال‌پرسی می‌کردند و از حال بستگان جویا می‌شدند، آنگاه با به کارگیری زبان معیار نروژی کار اداری خود را انجام می‌دادند. نتیجه اینکه این افراد با گردش از گویش محلی به گونه معیار هدف خود را در قالب پدیده‌ای گفتمانی نشان می‌دادند (Ibid, 1982: 27).

پژوهش‌های جامعه‌شناختی رمزگردانی بر اساس چارچوب‌های نظری مطرح در این زمینه انجام شده‌اند. از جمله این نظریات می‌توان به مدل نشاننداری (Markedness Model) و نظریه تطابق ارتباط (Communication accommodation theory) اشاره کرد. این دو نظریه به

عنوان چارچوب نظری رمزگردانی‌های صورت گرفته در پژوهش حاضر در نظر گرفته شده‌اند و در ادامه این فصل، توصیفی از هر یک ارائه گردیده‌است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

نظریه مطرح شده طبق مدل نشاننداری (Myers-Scotton, 1993) بیان می‌کند که گویشوران نوعی احساس نشاننداری پیرامون رمزهای زبانی در دسترس برای هر تعامل دارند، اما رمز خود را بر اساس شخصیت و یا ارتباط با سایرین انتخاب می‌کنند. این نشاننداری اساسی، هنجاری درون اجتماع دارد و گویشوران نیز از نتایج انتخاب‌های نشاندار یا غیرمنتظره آگاه هستند. از آنجا که انتخاب بی‌نشان امن‌تر است، (چون هیچ‌گونه شگفتی به همراه ندارد و رابطه بینافردی قابل انتظاری را نشان می‌دهد)، گویشوران عموماً انتخاب بی‌نشان را برمی‌گزینند. اما همیشه هم این‌گونه نیست. گویشوران هزینه‌ها و پاداش‌های احتمالی تمام گزینه‌های ممکن را ارزیابی می‌کنند و آنگاه تصمیم خود را اتخاذ می‌نمایند که معمولاً ناخودآگاهانه می‌باشد (Ibid: 75).

نظریه تطابق ارتباط که از سوی هاوارد گیلز (۱۹۷۳م.) مطرح شده‌است، بر پایه دو عبارت «تلاش برای کسب جذابیت اجتماعی» و «تلاش برای کسب کارایی (Efficiency) ارتباطی» از سوی گویشور استوار است. در پی کسب قضاوت مطلوب از سوی مخاطب، انتظار می‌رود که فرد جهت گفتار خود را از برخی جنبه‌ها به سمت و سوی شنونده همگرا نماید. از سوی دیگر، واگرایی می‌تواند تمایل به کاهش صمیمیت را نشان دهد، تغییر نیافتن یا انحراف از مسیر ارتباطی و ثابت ماندن آن نیز عملکردی مانند واگرایی دارد (Coupland, 2007: 62).

گیلز و همکاران (۱۹۸۷م.) بیان می‌کنند که گویشوران در تعاملات اجتماعی، تمایل به دریافت تأیید اجتماعی از سوی شنوندگان خود دارند و گفتار خود را در راستای زبان شنونده و برای دریافت تأیید وی تغییر می‌دهند. این به معنای همگرایی (Convergence) یا تطابق می‌باشد. با این حال، در بعضی از شرایط، گوینده ممکن است مایل به ایجاد تمایز بین خود و شنونده باشد. او این کار را با تأکید بر تفاوت بین خود و شنونده از طریق انتخاب زبانی انجام

می‌دهد و این عمل، واگرایی گفتار (Speech divergence) نام دارد (Bassiouney, 2006: 159).

در کشور ما نیز پژوهش‌هایی پیرامون دوزبانگی و رمزگردانی از دهه ۶۰ به بعد انجام شده‌است و در دهه‌های اخیر، مطالعات پیرامون رمزگردانی، موضوع مقالات و پژوهش‌های متعددی بوده‌است. یحیی مدرسی که از پیشگامان مطالعات حوزه اجتماعی زبان در ایران محسوب می‌شود، کتابی با عنوان *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان* (۱۳۶۸) ارائه نموده‌است و در آن، تمام ابعاد مرتبط با زبان و اجتماع و نیز مطالعات انجام‌شده در جهان را به تفصیل بررسی کرده‌است. بر خورد زبان‌ها و دوزبانگی نیز از جمله مسائلی بوده که توجه وی را به خود جلب کرده‌است. حسینی (۱۳۷۸) در مقاله «رمزگردانی: نشانه برجسته‌سازی در دوزبانگی»، به بررسی رمزگردانی ۱۸ نفر از ایرانیان بزرگسال دوزبانه فارسی و انگلیسی ساکن چند ایالت مختلف آمریکا پرداخته‌است. در این پژوهش، وی رابطه متغیرهایی از جمله سن، مدت اقامت، میزان تحصیلات و وضعیت شغلی با رمزگردانی را مورد بررسی قرار داده‌است. روش کار وی بدین صورت بود که آزمودنی‌ها اطلاعات خود را در پرسشنامه‌ها وارد می‌کردند و پس از اطمینان از محرمانه باقی ماندن اطلاعات آن‌ها اقدام به مکالمه می‌کردند تا روی نوار ضبط شود و اطلاعات آنان بر اساس مدت اقامت ایشان مورد مطالعه، تحلیل و طبقه‌بندی قرار می‌گرفت.

سعادت، مهرپور و ویسی دوزبانگی و تک‌زبانگی را در بین گویشوران کُردی کلهری مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ چنان‌که در این مقاله می‌خوانیم امروزه در بافت‌های چندزبانه، بسیاری از والدین ترجیح می‌دهند که فرزندان خود را بیشتر با زبان غالب پرورش دهند تا زبان مادری. این پدیده در میان گویشوران بومی گویش کلهری از زبان کُردی نیز در بافت چندزبانه ایران مشاهده می‌شود. هدف از تحقیق انجام‌شده از سوی این افراد، مقایسه بین گویشوران تک‌زبانه فارسی و گویشوران دوزبانه فارسی کلهری از نظر موفقیت در فراگیری انگلیسی بود. همچنین، نویسندگان این اثر رابطه بین موقعیت اجتماعی-اقتصادی و جنسیت را با دوزبانگی در مقابل تک‌زبانگی مورد پژوهش قرار داده‌اند. آزمودنی‌های این تحقیق، ۲۰۰ دانش‌آموز تک‌زبانه در مقابل ۲۰۰ دانش‌آموز دوزبانه ساکن کرمانشاه بوده‌اند. نتایج این

تحقیق نشان داد که جنسیت رابطه چندانی با دوزبانگی در مقابل تک‌زبانگی ندارد. در عوض، بیشتر دانش‌آموزان از طبقه پایین اجتماعی-اقتصادی به صورت دوزبانه پرورش یافته‌اند. به علاوه، دانش‌آموزان دوزبانه در یادگیری زبان انگلیسی از رقبای تک‌زبانه پیشی گرفتند (Saadat, Mehrpour & Weisi, 2008: 27-50).

جعفری پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «جنبه‌های اجتماعی رمزگردانی آذری-فارسی بین دانش‌آموزان دوزبانه دبیرستان‌های اهر» ارائه کرده‌است. در این پژوهش، به بررسی جنبه‌های اجتماعی رمزگردانی (در سطوح خرد و کلان) و تأثیر سه متغیر اجتماعی تحصیلات، سن و جنسیت دانش‌آموزان دوزبانه آذری-فارسی دبیرستان‌های اهر در میزان وقوع رمزگردانی پرداخته شده‌است. آزمودنی‌ها را ۳۰ دختر و ۳۰ پسر در سه کلاس دخترانه و سه کلاس پسرانه تشکیل می‌دهند که به صورت غیرتصادفی انتخاب شده‌اند. پژوهشگر از ۶۰ نفر آزمودنی فوق‌مصاحبه کرده، رفتار زبانی آن‌ها را به طور مستقیم مشاهده نموده‌است و بر روی نوار کاست ضبط کرده‌است. در تحلیل پیکره به‌دست آمده بر اساس معیارهای اسکاتن و آویر، وی دو نوع رمزگردانی درون‌جمله‌ای و بین‌جمله‌ای را تشخیص داده‌است. تحلیل کمی و کیفی داده‌ها نشان می‌دهد که وقوع رمزگردانی‌های درون‌جمله‌ای با افزایش تحصیلات در دختران نسبت به پسران افزایش می‌یابد و این امر به نوبه خود نشانگر افزایش مهارت زبانی خانم‌ها می‌باشد (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۸۷).

سلیمی وضعیت دوزبانگی زبان‌های فارسی و ترکی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بجنورد را مطالعه کرده‌است. زبان ترکی در گذشته، زبان اصلی این منطقه بود و گویشوران زیادی داشت. سلیمی بیان می‌دارد که گویا نوعی تغییر زبانی در این شهر در حال وقوع است، به‌ویژه نسل جوان تمایلی به کاربرد زبان ترکی ندارند. در پژوهش وی، گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام شده‌است. آزمودنی‌ها ۲۰۰ دانش‌آموز با میانگین سنی ۱۶ سال و در دو گروه دختران و پسران بودند و نتایج آزمون با کمک نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌است. نتیجه حاصل این بوده است که زبان غالب در دو حوزه خانواده و مدرسه، فارسی می‌باشد و کاربرد این زبان در محیط مدرسه در دختران و پسران یکسان است. در محیط خانه نیز رابطه معناداری

بین جنسیت و کاربرد زبانی وجود ندارد و به طور کلی، در بجنورد نیز نوعی تغییر زبانی در حال روی دادن است و زبان فارسی جایگزین زبان ترکی شده است (ر.ک؛ سلیمی، ۱۳۸۸).

عامریان پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «بررسی تأثیر سن و جنسیت بر کاربرد مازندرانی در میان مهاجران مازندرانی دوزبانه ساکن تهران» ارائه نموده است. بررسی وی در چارچوب نظریه «تحلیل حوزه‌ای» فیثمن در دو حوزه خانواده و محیط اداری انجام، و با استفاده از دو روش پرسشنامه و مشاهده، مشارکتی صورت گرفته است. پژوهشگر حدود ۱۲۰ پرسشنامه در میان پاسخگویان، اعم از زن و مرد، از سه گروه سنی زیر ۲۵ سال، ۲۶-۳۵ سال و بالای ۳۵ سال توزیع نموده است و در نهایت، ۱۱۱ پرسشنامه جمع‌آوری شده است. وی در پژوهش خود به این نتایج دست یافته که در میان مهاجران دوزبانه مازندرانی-فارسی، زنان بیشتر از مردان از زبان فارسی استفاده می‌کنند و در گروه‌های سنی پایین‌تر، میزان استفاده از زبان فارسی بیشتر از زبان مازندرانی است (ر.ک؛ عامریان، ۱۳۸۸).

احمدی پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را در حوزه رمزگردانی با عنوان «بررسی پدیده رمزگردانی در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در محیط‌های دوزبانه: مطالعه موردی شهر سنندج» ارائه کرده است. وی پژوهش خود را با هدف تعیین انواع و کارکردهای رمزگردانی به زبان‌های فارسی و گُردی از سوی معلمان زبان انگلیسی در مؤسسات زبان‌های خارجه در شهر سنندج در غرب ایران انجام داده است. طبق نتایج این پژوهش، میزان استفاده معلمان از رمزگردانی به طور کلی، نسبتاً چشمگیر بود. همچنین، مشخص گردید که متغیرهای جنسیت، سن، تجربه تدریس و مدرک تحصیلی، تأثیری بر رمزگردانی معلمان ندارند. با این حال، تأثیر سطح مهارت دانش‌آموزان بر رمزگردانی معلمان چشمگیر و معنادار بود. همچنین، میزان استفاده از رمزگردانی به گُردی بیشتر از فارسی بود. از نظر رمزگردانی، مردان بیشتر به گُردی گرایش داشتند تا فارسی، در حالی که این وضعیت در باب زنان، عکس بود (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۹۲).

۴. روش پژوهش

روش انجام این پژوهش، تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی می‌باشد؛ بدین صورت که داده‌های حاصل، طی روش‌های تحلیل کمی و کیفی برای رسیدن به نتایج مورد نظر ارزیابی شده‌اند. شرکت‌کننده‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر، ۴۰ فرد دوزبانه ترکی-فارسی ساکن تهران هستند که از این تعداد، ۲۰ زن و ۲۰ مرد برای بررسی تأثیر عامل جنسیت بر رمزگردانی گزینش شده‌اند. انتخاب شرکت‌کننده‌ها از دو بازه سنی ۲۰-۴۰ سال و ۴۰-۷۰ سال صورت گرفته‌است تا بدین ترتیب، تأثیر عامل سن بر رمزگردانی افراد مورد آزمون بررسی شده‌است. برای انتخاب شرکت‌کننده‌های پژوهش، روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس (Convenience sampling) به کار رفته‌است. برای گردآوری داده‌های مربوط به میزان رمزگردانی، از روش ضبط مکالمات طبیعی گویشوران استفاده شده‌است. همچنین، ضبط گفتار گویشوران از دو بافت مختلف خانواده و محل کار، گرد آورده شده‌است. داده‌های محل کار، به نوبه خود از دو بافت مختلف مغازه خواروبارفروشی و بافت اداری دفتر مدرسه گردآوری شده‌اند و مجموع رمزگردانی‌های این دو بافت، محل کار با میزان رمزگردانی صورت گرفته در بافت خانواده مقایسه شده‌است. داده‌های حاصل از ضبط گفتار گویشوران، پس از دسته‌بندی به گروه داده‌های معین، بر اساس متغیرهای بافت وقوع گفتار، سن، جنسیت، تحلیل و ارزیابی شده‌اند. روش کیفی تحلیل داده‌ها، شامل نتایج توصیفی و تفسیر داده‌ها بر اساس ارقام واقعی مربوط به میزان رمزگردانی شرکت‌کننده‌ها بود و در روش کمی، داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌است. روش‌های آماری به کار رفته در تحلیل کمی، شامل آزمون مقایسه میانگین‌های دو گروهی همبسته و آزمون رگرسیون بوده‌است. نتایج حاصل از هر دو روش کیفی و کمی، در قالب جدول‌ها، نمودارها و تفاسیر مورد نظر ارائه گردیده‌است. نتایج تحلیل‌های صورت گرفته، رابطه هر یک از متغیرهای مورد تحقیق با میزان رمزگردانی افراد را نشان می‌دهد. ابتدا نتایج کمی به دست آمده بر مبنای چارچوب فرضیه‌های پژوهش ارائه شده‌است. بر این اساس، به توصیف داده‌های جمعیت‌شناختی پرداخته خواهد شد و آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی ارائه می‌گردد. همچنین، آزمون فرضیه‌های پژوهشی با استفاده از سطح آلفا (۰/۰۵)

(=) به عنوان مقدار خطای پذیرفتنی برای ردّ پرسش صفر (H_0) و تأیید پرسش پژوهش (H_A) در نظر گرفته شده است؛ به عبارت دیگر، احتمال خطای کمتر از ۰/۰۵ برای سطح معناداری ($P < 0/05$) و احتمال خطای بیشتر از ۰/۰۵ برای معنادار نبودن ($P < 0/05$) در نظر گرفته شده است.

۴-۱) توصیف جمعیت‌شناسی

در جدول ۱، شاخص‌های توصیفی جمعیت‌شناسی مربوط به سن آزمودنی‌ها برحسب جنسیت، طبق آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) ارائه می‌گردد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به سن آزمودنی‌ها برحسب جنسیت (مرد و زن)

جنس	فراوانی	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
مرد	۲۰	۲۳	۶۸	۴۱/۷۵	۱۳/۲۸۶
زن	۲۰	۲۱	۶۷	۴۰/۷۰	۱۴/۰۳۴
کل	۴۰	۲۱	۶۸	۴۱/۲۳	۱۳/۴۹۹

جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار سن مردان به ترتیب، ۴۱/۷۵ و ۱۳/۲۸۶ و میانگین و انحراف معیار سن زنان به ترتیب، ۴۰/۷۰ و ۱۴/۰۳۴ است. میانگین و انحراف معیار سن کل به ترتیب، ۴۱/۲۳ و ۱۳/۴۹۹ می‌باشد.

۴-۲) عامل بافت وقوع گفتار و رمزگردانی

برای بررسی کمی ارتباط بافت وقوع گفتار با میزان رمزگردانی افراد دوزبانه، آزمون مقایسه میانگین‌های دو گروهی همبسته به کار رفته است و نتایج این آزمون آماری را در جدول ۲ می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۲. نتایج تحلیل کمی میزان رمزگردانی افراد شرکت کننده در دو بافت خانواده و محل کار

رمزگردانی	بافت وقوع گفتار	میانگین M	معیار SD انحراف	ارزش t	آزادی d.f. درجات	معناداری P سطح	تفاوت % درصد
رمزگردانی درون جمله‌ای	خانواده	۵۷/۲۵	۳۴/۶۹۵	۲/۸۶۹	۳۸	۰/۰۰۷	۸۳
	محل کار	۳۱/۲۰	۲۱/۱۰۳				
رمزگردانی بین جمله‌ای	خانواده	۷۴/۸۰	۳۷/۳۷۱	۰/۳۸۹	۳۸	۰/۶۹۹	۰/۰۶
	محل کار	۷۰/۶۵	۲۹/۵۷۵				
تعداد کل رمزگردانی	خانواده	۱۳۲/۰۵	۵۰/۶۸۹	۲/۷۰۶	۳۸	۰/۰۴	۲۹
	محل کار	۱۰۱/۸۵	۴۰/۷۹۳				

چنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود، درصد تفاوت رمزگردانی درون جمله‌ای در دو بافت خانواده و محل کار ۸۳ درصد است، در حالی که این میزان برای رمزگردانی بین جمله‌ای، ۰/۰۶ درصد و برای مجموع رمزگردانی، ۲۹ درصد می‌باشد. سطح معناداری برای رمزگردانی درون جمله‌ای، بین جمله‌ای و مجموع رمزگردانی‌های صورت گرفته، به ترتیب برابر با ۰/۰۰۷، ۰/۶۹۹ و ۰/۰۴ می‌باشد (معناداری در سطح $P < ۰/۰۰۵$). برای بررسی رابطه بافت وقوع گفتار با میزان و الگوی رمزگردانی افراد دوزبانه، داده‌های پژوهش از دو بافت جداگانه خانواده و محل کار گردآوری شده‌اند و نتایج تحلیل توصیفی این داده‌ها در جدول (۳) قابل مشاهده است.

جدول ۳. فراوانی و درصد وقوع رمزگردانی در گفتار شرکت کننده‌ها در دو بافت خانواده و محل کار

بافت وقوع گفتار	تعداد شرکت کننده‌ها	رمزگردانی درون جمله‌ای	رمزگردانی بین جمله‌ای	تعداد کل رمزگردانی	درصد وقوع رمزگردانی
خانواده	۲۰	۱۱۴۵	۱۴۹۶	۲۶۴۱	۵۶/۵
محل کار	۲۰	۶۲۳	۱۴۱۴	۲۰۳۷	۴۳/۵
مجموع کل رمزگردانی				۴۶۷۸	۱۰۰

میزان رمزگردانی افراد در بافت خانواده برابر با ۵۶/۵ درصد و در محل کار برابر با ۴۳/۵ درصد است و نشان می‌دهد که این میزان در بافت خانواده بیشتر است.

۴-۳) عامل سن و رمزگردانی

ارزیابی آماری ارتباط عامل سن با میزان رمزگردانی شرکت‌کننده‌های پژوهش، با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون صورت گرفته است و نتایج آن در جدول ۴ قابل مشاهده می‌باشد:

جدول ۴: ارتباط کمی عامل سن با میزان استفاده از رمزگردانی شرکت‌کننده‌ها

گام	متغیرهای وارد شده	ضریب تعیین R	ضریب B	ضریب Beta	ارزش T	معناداری P
۱	رمزگردانی درون جمله‌ای	٪۳۹	۱/۳۸۷	۰/۵۹۹	۴/۶۷۷	۰/۰۰۱
	رمزگردانی بین جمله‌ای	٪۰۷	۰/۲۴۷	۰/۱۰	۰/۶۳۴	۰/۵۳۰
	تعداد کل رمزگردانی	٪۲۲	۱/۶۳۴	۰/۴۶۰	۳/۱۵۹	۰/۰۰۳

در جدول ۴، سطوح معناداری ارتباط عامل سن با میزان رمزگردانی قابل مشاهده است. این میزان برای رمزگردانی درون جمله‌ای، بین جمله‌ای و مجموع رمزگردانی‌های صورت گرفته، به ترتیب برابر با ۰/۰۰۱، ۰/۵۳۰ و ۰/۰۰۳ می‌باشد. تحلیل توصیفی ارتباط عامل سن و رمزگردانی بر اساس داده‌های جدول ۵ صورت گرفته است.

جدول ۵: فراوانی و درصد وقوع رمزگردانی در شرکت‌کننده‌ها به تفکیک گروه سنی

گروه سنی	تعداد	رمزگردانی درون جمله‌ای	رمزگردانی بین جمله‌ای	تعداد کل رمزگردانی	درصد وقوع رمزگردانی
۲۰-۴۰ سال	۲۰	۴۹۷	۱۳۹۷	۱۸۹۴	۴۰/۵
۴۰-۷۰ سال	۲۰	۱۲۷۱	۱۵۱۳	۲۷۸۴	۵۹/۵
مجموع رمزگردانی‌ها					۱۰۰

با توجه به جدول ۵، گروه سنی ۴۰-۷۰ سال با اختصاص دادن ۵۹/۵ درصد از کل رمزگردانی‌ها به خود، از گروه سنی ۲۰-۴۰ سال پیشی گرفته است.

۴-۴) عامل جنسیت و رمزگردانی

به منظور بررسی ارتباط عامل جنسیت با میزان رمزگردانی افراد شرکت کننده نیز آزمون تحلیل رگرسیون به کار رفته است و نتایج حاصل از این ارزیابی در جدول ۶ ارائه می‌گردد.

جدول ۶. ارتباط کمی عامل جنسیت با میزان استفاده از رمزگردانی در شرکت کننده‌ها

گام	متغیرهای وارد شده	ضریب تعیین R	ضریب b	ضریب Beta	ارزش T	معناداری P
۱	رمزگردانی درون جمله‌ای	٪۰۴	۱۳/۱۰۷	۰/۲۱۲	۱/۶۵۷	۰/۱۰۶
	رمزگردانی بین جمله‌ای	٪۰۷	-۱۷/۰۹۱	-۰/۲۶۰	۱/۶۴۵	۰/۱۰۸
	تعداد کل رمزگردانی	٪۰۰۴	-۳/۹۸۴	۰/۰۴۲	۰/۲۸۹	۰/۷۷۴

در جدول ۶، سطوح معنادارای ارتباط عامل جنسیت با میزان رمزگردانی قابل مشاهده است. این میزان برای رمزگردانی درون جمله‌ای، بین جمله‌ای و مجموع رمزگردانی‌های صورت گرفته، به ترتیب برابر با ۰/۱۰۶، ۰/۱۰۸ و ۰/۷۷۴ می‌باشد. جدول ۷، نشان‌دهنده فراوانی و درصد وقوع رمزگردانی در شرکت کننده‌های آزمون به تفکیک جنسیت می‌باشد و تحلیل توصیفی ارتباط جنسیت و رمزگردانی بر اساس آن انجام شده است.

جدول ۷. فراوانی و درصد وقوع رمزگردانی در شرکت کننده‌های آزمون به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد شرکت کننده‌ها	رمزگردانی درون جمله‌ای	رمزگردانی بین جمله‌ای	تعداد کل رمزگردانی	درصد وقوع رمزگردانی
زن	۲۰	۱۰۰۱	۱۲۸۱	۲۲۸۲	۴۹
مرد	۲۰	۷۶۷	۱۶۲۹	۲۳۹۶	۵۱
مجموع رمزگردانی‌ها		۱۷۶۸	۲۹۱۰	۴۶۷۸	۱۰۰

با توجه به جدول ۷، میزان رمزگردانی مردان شرکت‌کننده در پژوهش، با اختلاف ۲ درصد از زنان بیشتر بوده است.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به جدول ۳ که فراوانی و درصد وقوع رمزگردانی در گفتار شرکت‌کننده‌ها را در دو بافت خانواده و محل کار نشان می‌دهد، به این نتیجه می‌رسیم که میزان رمزگردانی در بافت خانواده از محل کار بیشتر است؛ چراکه رمزگردانی صورت گرفته در بافت خانواده به میزان ۲۶۴۱ مورد و درصد وقوع، ۵۶/۵ بوده است، در حالی که میزان رمزگردانی بافت محل کار، ۲۰۳۷ مورد با درصد وقوع ۴۳/۵ می‌باشد. همچنین، با توجه به جدول ۲ و مشاهده نتایج تحلیل آماری، این نکته دریافت می‌شود که تفاوت میانگین خانواده با میانگین محل کار، به جز رمزگردانی بین جمله‌ای، از نظر آماری در سطح (P < /۰۵) معنادار است. شاخص معناداری ارتباط عامل بافت وقوع گفتار و مجموع رمزگردانی، برابر با ۰/۰۴ و ضریب تأثیر این عامل بر مجموع رمزگردانی، برابر با ۰/۰۱ می‌باشد؛ به عبارت دیگر، افراد در بافت خانواده نسبت به محل کار، بیشتر از رمزگردانی درون جمله‌ای استفاده می‌کنند، اما میزان استفاده آنان از رمزگردانی بین جمله‌ای در دو بافت خانواده و محل کار تقریباً مشابه است؛ به بیان دیگر، افراد به طور متوسط، ۸۳ درصد بیشتر در بافت خانواده نسبت به محل کار از رمزگردانی درون جمله‌ای استفاده می‌کنند. در مجموع، افراد به طور متوسط، ۲۹ درصد بیشتر در بافت خانواده نسبت به بافت محل کار از رمزگردانی (درون جمله‌ای و بین جمله‌ای) استفاده می‌کنند. با توجه به نتایج کمی و کیفی به دست آمده، فرضیه اول که بیان می‌کند «میزان رمزگردانی افراد دوزبانه ترکی - فارسی در محیط خانواده بیشتر از محیط کار می‌باشد»، تأیید می‌شود.

با توجه به جدول ۵، گروه سنی ۷۰-۴۰ سال با ۲۷۸۴ مورد رمزگردانی و درصد وقوع ۵۹/۵، در مقابل گروه سنی ۴۰-۲۰ سال با ۱۸۹۴ مورد رمزگردانی با درصد وقوع ۴۰/۵ قرار می‌گیرد. بنابراین، میزان رمزگردانی گروه سنی ۷۰-۴۰ سال از رمزگردانی گروه سنی ۴۰-۲۰ سال بیشتر است. جدول ۴ که تأثیر عامل سن بر میزان رمزگردانی شرکت‌کننده‌های پژوهش را به لحاظ

آماري نشان مي دهد، بيانگر اين است كه تأثير عامل سن بر ميزان استفاده از رمزگرداني (درون جمله اي و تعداد كل رمزگرداني) در سطح (P. ۰/۰۵) به لحاظ آماری معنادار است. شاخص معناداری ارتباط سن با مجموع رمزگرداني برابر با ۰/۰۰۳ و ضريب تأثير آن معادل ۰/۰۴۷ مي باشد. در حالي كه تأثير عامل سن بر ميزان استفاده از رمزگرداني بين جمله اي در سطح (P<۰/۰۵) از نظر آماری معنادار نيست؛ به بيان ديگر، افزايش سن بر ميزان استفاده از رمزگرداني تأثيرگذار است. همچنين، عامل سن، حدود ۳۹ درصد بر ميزان استفاده از رمزگرداني درون جمله اي و ۲۲ درصد بر ميزان كل رمزگرداني هاي صورت گرفته تأثير داشته است؛ به بيان ديگر، در کنار ساير عوامل كه هر يك مي توانند بر ميزان استفاده از رمزگرداني مؤثر باشند، سهم سن ۳۹ درصد در رمزگرداني درون جمله اي و ۲۲ درصد در تعداد كل رمزگرداني ها (درون جمله اي و بين جمله اي) مي باشد. با توجه به تحليل هاي كيفي و كمّي ارائه شده پيرامون ارتباط عامل سن با ميزان رمزگرداني افراد دوزبانه تركي- فارسي، فرضيه دوم تأييد مي شود مبني بر اينكه «با کاهش سن افراد دوزبانه تركي- فارسي، ميزان رمزگرداني آن ها نيز کاهش مي يابد».

با توجه به جدول ۷، ميزان وقوع رمزگرداني در مردان اندكي بيشتر از زنان است. مردان ۵۱ درصد از كل رمزگرداني هاي صورت گرفته را به خود اختصاص داده اند، در حالي كه زنان ۴۹ درصد رمزگرداني در گفتار خود داشته اند. با توجه به جدول ۷، الكوي رمزگرداني مردان و زنان با هم متفاوت است و ميزان رمزگرداني درون جمله اي زنان با ۱۰۰۱ مورد رمزگرداني، از مردان كه رمزگرداني درون جمله اي آن ها ۷۶۷ مورد هستند، بيشتر است. درحالي كه ميزان رمزگرداني بين جمله اي مردان از زنان بيشتر است، مردان ۱۶۲۹ مورد رمزگرداني بين جمله اي داشتند، در حالي كه زنان ۱۲۸۱ مورد رمزگرداني بين جمله اي در گفتار خود به كار برده اند. از آنجا كه اختلاف در ميزان رمزگرداني، تنها ۲ درصد مي باشد، بايد مشاهده كرد كه آيا اين اختلاف در بررسي آماری نيز تأييد مي شود يا خير.

جدول ۶ نشان دهنده تأثير آماری عامل جنسيت بر ميزان استفاده از رمزگرداني است. نتايج جدول مورد نظر نشان مي دهد كه تأثير جنسيت بر ميزان استفاده از رمزگرداني (درون جمله اي و بين جمله اي) شركت كننده هاي پژوهش در سطح (P<۰/۰۵) به لحاظ آماری معنادار نيست؛

چراکه شاخص معناداری ارتباط عامل جنسیت با مجموع رمزگردانی، برابر با ۰/۷ می‌باشد؛ به بیان دیگر، جنسیت بر میزان استفاده از رمزگردانی اثر معناداری ندارد. در نتیجه، فرضیه دوم که بیان می‌کند «رمزگردانی در مردان دوزبانه ترکی- فارسی نسبت به زنان دوزبانه ترکی- فارسی بیشتر است»، تأیید نمی‌شود و تفاوت‌های رمزگردانی مردان و زنان شرکت‌کننده در پژوهش، معنادار نبوده‌است.

با وجود اینکه رمزگردانی، عاملی زبانی است، کاربرد آن تأثیر بسزایی بر رفتارهای اجتماعی افراد دارد که بررسی آن‌ها به علوم جامعه‌شناسی و روانشناسی مربوط می‌شود. این موضوع، به‌ویژه در رمزگردانی‌های موجود در گفتار گویشوران دوزبانه ترکی- فارسی آشکار است و در چارچوب نظریه تطابق ارتباط گیلز (۱۹۷۳م.) توصیف‌شدنی است. بر اساس این نظریه و مشاهدات پژوهش حاضر، افراد برای افزایش صمیمیت در گفتگو و ایجاد برداشت مثبت در مخاطب خود، به زبان ترکی رمزگردانی می‌کنند و به منظور برقراری ارتباط کارآمد با گویشور دوزبانه ترکی- فارسی دیگر، جهت گفتار خود را از زبان فارسی به ترکی تغییر می‌دهند. در واقع، این رفتار زبانی- ارتباطی همگرایی گفتار است. در مقابل، واگرایی که می‌تواند تمایل گویشور به کاهش صمیمیت را نشان دهد، کمتر از همگرایی در گفتار دوزبانه‌های ترکی- فارسی مشاهده شده‌است. یکی دیگر از کاربردهای رمزگردانی در روابط اجتماعی، حفظ حریم خصوصی گفتگوی افراد می‌باشد. اگر گویشور هنگام گفتگو متوجه فرد دیگری در محل شود، به منظور حفظ حریم خصوصی گفتار خود، به زبانی رمزگردانی می‌نماید که حدس می‌زند فرد سوم آن را متوجه نخواهد شد و این کارکرد رمزگردانی بیشتر بر مبنای حدسیات گویشور نسبت به دانش زبانی فرد سوم می‌باشد.

منابع

احمدی، شاهو. (۱۳۹۲). *بررسی پدیده رمزگردانی در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در محیط‌های دوزبانه: مطالعه موردی شهر سنندج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. سنندج: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام.

جعفری، اکبر. (۱۳۸۷). *جنبه‌های اجتماعی رمزگردانی آذری-فارسی بین دانش‌آموزان دوزبانه دیورستان اهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: گروه زبانشناسی و زبان انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پیام‌نور تهران.

حیدری، عبدالحسین. (۱۳۹۲). *رمزگردانی دوزبانه‌های آذری-فارسی در کلاس درس از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان و روانشناسی زبان*. تهران: گروه زبانشناسی و زبان‌های خارجی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام‌نور.

حسینی، سید محمدضیاء. (۱۳۷۸). «رمزگردانی: نشانه برجسته‌سازی در دوزبانگی». *نامه فرهنگ*. ش. ۳۴. صص ۷۸-۸۳.

سلیمی، سپیده. (۱۳۸۸). *بررسی دوزبانگی زبان‌های فارسی و ترکی در میان دانش‌آموزان دیورستانی شهر بجنورد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی.

عامریان، فاطمه. (۱۳۸۸). *بررسی تأثیر سن و جنسیت بر کاربرد مازندرانی در میان مهاجران مازندرانی دوزبانه ساکن تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشکده زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

Alfonzetti, G. (2014). "Age-Related Variation in Code-Switching Between Italian and the Sicilian Dialect. Athens". *ATINER'S Conference Paper Series*. No. LIT 2014-0989.

Bassiouney, R. (2006). "Functions of Code Switching in Egypt: Evidence from Monologues". *Studies in Semitic Languages And Linguistics*. Vol. 46. Leiden: Brill Publishers.

B. Chain, Ng, & Wigglesworth, G. (2007). *Bilingualism: An advanced resource book*. Taylor & Francis.

Bhatia, T. K. & Ritchie, W. C. (Ed.). (2013). *The Handbook of Bilingualism and Multilingualism*. 2nd Edition. Oxford: Blackwell Publishing Ltd.

Bista, K. (2010). "Factors of Code-switching among Bilingual English Students in the University Classroom: A Survey". *Online Submission*. Vol. 9. No. 29. Pp. 1-19.

Coupland, N. (2007). *Style: Language, Variation, and Identity: Key topics in sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Gumperz, J.J. (1971). "*Language in Social Groups*". *Language and National Development*. Vol. 3. Stanford, CA: Stanford University Press.
- . (1982). *Discourse Strategies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jagero, N., & Odongo, E. K. (2011). "Patterns and Motivations of Code Switching among Male and Female in Different Ranks and Age Groups in Nairobi Kenya". *International Journal of Linguistics*. Vol. 3. No. 1. E 40.
- Myers-Scotton, C. (1993). *Social Motivations for Code-switching: Evidence from Africa*. Oxford: Clarendon Press.
- Poplack, S. (1980). "Sometimes I'll start a sentence in Spanish y termino en espanol: Toward a typology of code-switching". *The bilingualism reader*. Vol. 18. No. 2. Pp. 221-256.
- Saadat, M., Mehrpour, S. & H. Weisi. (2008). "Bilinguality vs. Monolingualism among Kalhuri Kurdish Speakers: Gender, Social Class and English Language Achievement". *The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*. Vol. 5. No. 3. Pp. 27-50.
- Weinreich, U. (1953). *Languages in Contact: Findings and problems*. New York: Publications of the Linguistic Circle of New York.
- Wei, L. (2000). *The Bilingualism Reader*. London: Routledge.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی